

الگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر دانش ضمنی و تجربه مدیران

نجمه اسدی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Asadie_88@yahoo.com

غلامرضا کرمی

دانشیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
ghkarami@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۰۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۱

چکیده

میزانی که مدیریت سود عملکرد واقعی را میبهم می کند می توان آن را تحت یک هزینه قلمداد نمود. مقاله حاضر به ارائه الگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر دانش ضمنی و تجربه مدیران از طریق پیش بینی روابط علی میان اثر شخصیتی و فردی، تجربه و دانش ضمنی مالیاتی، تجربه و دانش ضمنی حسابداری و مالی، تجربه و دانش ضمنی مدیریتی، تجربه و دانش ضمنی حسابرسی، تجربه و دانش ضمنی سیاسی، تجربه و دانش ضمنی قوانین کار و تامین اجتماعی و مدیریت سود پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش، حسابداران رسمی و متخصصان حرفه مالی بوده و جهت گردآوری داده ها از روش مصاحبه بر اساس پرسشنامه استفاده شده است. پس از انجام آزمون های پایایی و روایی داده های نمونه، تحلیل های مربوط بر اساس رویکرد مدل یابی ساختاری صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد تجربه شخصیتی و فردی، تجربه و دانش ضمنی مدیریتی، تجربه و دانش ضمنی حسابرسی و تجربه و دانش ضمنی قوانین کار و تامین اجتماعی از عامل هایی هستند که در الگوی رفتاری مدیریت سود موثر هستند. هر چند تجربه و دانش ضمنی مالیاتی، سیاسی و حسابداری و مالی در الگوی فازی در ارائه الگوی رفتاری شناسایی شدند اما این عامل ها در نظرسنجی کلی در طراحی الگوی رفتاری معنا دار نبوده اند.

واژه های کلیدی: مدیریت سود، الگوی رفتاری مدیریت سود، دانش ضمنی و تجربه مدیران، معادلات ساختاری.

۱- مقدمه

ارائه تعریفی مناسب از مدیریت سود مستلزم شناخت هدف و انگیزه از مدیریت سود و کاربرد آن است. اسکات^۱ (۲۰۰۹) به مدیریت سود به عنوان اختیار شرکت در انتخاب سیاست‌های حسابداری برای دستیابی به برخی اهداف خاص مدیر، می‌نگرد. حال پرسش این است که اهداف خاص مدیر از مدیریت سود چیست. مدیریت سود عبارت است از دخالت عمدی در فرآیند گزارشگری برون سازمانی با هدف بدست آوردن برخی مزایای شخصی از سوی مدیران یا سهامداران. تعریف جامع تر مدیریت سود باید در برگیرنده مدیریت سود واقعی ایجاد شده از راه تصمیمات زمان‌بندی سرمایه‌گذاری یا تصمیمات تأمین مالی برای تغییر سود گزارش شده یا برخی از اجزای آن نیز می باشد (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۶). فرن و همکاران^۲ (۱۹۹۴) مدیریت سود را به عنوان دست کاری سود توسط مدیریت به منظور دستیابی به قسمتی از پیش داورهای مربوط به سود مورد انتظار تعریف می‌کند. دی جورج و همکاران (۱۹۹۹) مدیریت سود را به عنوان نوعی دستکاری مصنوعی سود توسط مدیریت جهت حصول به سطح مورد انتظار سود برای برخی مقاصد خاص (از جمله حصول پیش بینی تحلیل‌گران و یا برآورد روند سودهای قبلی برای پیش بینی سود های آتی) تعریف کرده اند. هلی و والن (۱۹۹۹) معتقدند مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری می‌نمایند. این هدف یا به قصد گمراه نمودن برخی از صاحبان سهام در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت صورت می‌گیرد، یا به منظور تاثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود مشخصی می‌باشد. رونن و یاری (۲۰۰۸) ۵ مدیریت سود را مجموعه ای از تصمیمات مدیریتی قلمداد می‌کنند که به منظور حداکثر کردن ارزش سود، برخی از حقایق کوتاه مدتی را که برای مدیریت شناخته شده اند گزارش نمی‌کند (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۶).

دانش حسابداری که بر تصمیم‌گیری تاثیر می‌گذارد از طریق تجارب (مستقیم) کاری و آموزش (تجربه غیرمستقیم) به دست آمده است. با این حال تجارب خاص حسابداران می‌تواند علاوه بر توسعه دانش فنی حسابداری اثرات متعددی بر برآورد پارامترها و شاخص‌ها داشته باشد. تجارب خاص بر توجه افراد مبتنی بر تفسیر اطلاعات جدید تاثیر می‌گذارد. تجارب خاص همراه با اطلاعات خروجی، ارزیابی عملکرد مبتنی بر پیامد و ایجاد انگیزه بیشتر پیامد، حلقه ارتباطی بین پیامدها و

ارزیابی‌ها را در اظهارات ذهنی افراد تقویت می‌کند نتیجه بارز این پیامدها و نیروی حلقه ارتباطی بین پیامدها و ارزیابی‌ها در ذهن افراد آنها را وادار می‌سازد هنگام ارزیابی دیگران از پیامدها استفاده کنند حتی زمانی که آنها اطلاعاتی درباره کیفیت تصمیم‌گیری ارزیابی شوندگان داشته باشند و بدانند که کیفیت تصمیم‌گیری در مقایسه با پیامدها مبنای بهتری را برای ارزیابی فراهم می‌کند تجارب گذشته به همراه ارزیابی‌های مبتنی بر کیفیت تصمیم‌گیری باعث بازتر شدن کیفیت تصمیم‌گیری خواهد شد و بنابراین افراد هنگام ارزیابی دیگران توجه خود را به کیفیت تصمیم‌گیری معطوف خواهند کرد. همچنین فردریکسون و همکاران پیش بینی کردند که تکرار ارزیابی‌ها تاثیر متفاوتی بر دانش خواهد گذاشت و شدت تاثیر به نوع ارزیابی که افراد تجربه کرده اند (تجربه مبتنی بر پیامد یا تجربه مبتنی بر کیفیت تصمیم‌گیری) بستگی دارد. انتظار می‌رود تاثیر تجربه ارزیابی مبتنی بر پیامد هنگامی که ارزیابی‌ها به صورت مکرر انجام می‌شود قوی‌تر باشد. هر مورد اضافه از ارزیابی حلقه ارتباطی بین پیامدها و ارزیابی عملکرد را در ذهن افراد قوی‌تر می‌کند. در مقابل هنگامی که ارزیابی افراد بر مبنای کیفیت تصمیم‌گیری است بازخورد پیامد دیگر مربوط نخواهد بود و این باعث ضعیف‌تر شدن حلقه ارتباطی بین پیامدها و ارزیابی عملکرد خواهد شد. نتیجه تحقیق فردریکسون و همکاران حاکی از آن است که تجربه افراد از ارزیابی عملکرد توجه و پردازش حافظه آنها را شبیه‌سازی، می‌کند و باور اولیه افراد مبتنی بر شایستگی ارزیابی‌ها مبتنی بر کیفیت تصمیم‌گیری را زیر سوال می‌برد، با این حال در حالت‌های پیچیده تر زمانی که اطلاعات حالت تفسیری بیشتری پیدا می‌کنند باورهای اولیه افراد می‌تواند اثربخشی یادگیری آنها را محدود کند. تحقیق روان‌شناسی که بر اساس یادگیری احتمالات با علائم چندگانه انجام شد نشان می‌دهد زمانی که افراد روابط علی‌مشاهدات را یاد می‌گیرند تمایلی به استفاده برابر از همه مشاهدات را ندارند. زمانی که پیامدهای یک عمل خاص (مثلا تصمیم مربوط به تخصیص منابع) ترکیب می‌شوند و می‌توانند علت‌های زیادی داشته باشند، توجه افراد بر پیامدهای سازگار با تئوری‌های اولیه افراد بیشتر شده و تاثیر آن بر تصمیمات بعدی بیشتر می‌گردد در حالی که پیامدهای ناسازگار با این تئوری‌ها منجر به توجه کمتر افراد می‌گردد؛ از این رو یادگیری افراد در سطح پایین‌تری خواهد بود (رسمان و همکاران، ۲۰۱۲).

دانش ضمنی^۳: دانش ضمنی بخشی است از آنچه می‌گوییم یا انجام می‌دهیم، از آنجا که این دانش جزء جدایی

است که مدیران برای رسیدن به منافع خود سودها را مدیریت می کنند. وی بیان می کند، با توجه به اینکه اندازه گیری وجوه نقد عملیاتی آسان است مدیران برای مدیریت کردن سود از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می کنند تا بتوانند به سودهای مطلوب دست یابند. همچنین واتز و همکاران (۱۹۸۶)^{۱۰} نیز بیان داشته اند در شرکتی که برنامه پاداش مدیران انجام می شود، مدیران سعی خواهند نمود سودهای دوره های آتی را به دوره جاری منتقل کنند و از این رو سودها را دستکاری می کنند. (مرادزاده و همکاران، ۱۳۹۱).

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه ای به تاثیر بیش اطمینانی مدیران بر مدیریت سود واقعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند، نتایج تحقیق نشان داد که بین بیش اطمینانی مدیریت و معیارهای مدیریت سود واقعی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

هوای چون و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۷) در مطالعه خود با عنوان "مدیریت سود و عملکرد پس از عرضه اولیه عمومی" به این سؤال پاسخ می دهند که آیا سرمایه گذاران نهادی باعث تقویت یا کاهش مشکلات سازمان می شوند؟ این مطالعه نشان داد که شرکت هایی که دارای مالکیت بالای مؤسسات هستند، بازده سهام و عملکرد عملیات بعد از عرضه اولیه عمومی را بالاتر می برند، به این ترتیب نشان می دهد که بازار سرمایه به عملکرد نظارتی سرمایه گذاران نهادی پس از عرضه اولیه و عملکرد این شرکت ها بهبود یافته است. نتایج نشان دهنده کنترل سرمایه گذاران نهادی و شناسایی بیشتر سرمایه گذاران نهادی است، برای بهبود عملکرد می باشد. جرینگ (۲۰۱۶)^{۱۲} در مطالعه خود با عنوان "تاثیر مدیریت سود و افشا بر عملکرد مالی" نشان دادند که اگر مدیران به صورت گسترده و غیرعادی به استفاده از روش های مذکور علاقه نشان دهند، در واقع آن ها به مدیریت واقعی سود تمایل دارند و وجود سرمایه گذاران خبره و آگاه دست کاری فعالیت های واقعی را محدود می کند. در این تحقیق مدیریت واقعی سود متغیر وابسته و عملکرد آتی شرکت بازده آتی دارایی ها، بازده آتی حقوق صاحبان سهام، سود آتی هر سهم و نسبت آتی قیمت به سود شرکت به عنوان متغیر مستقل تحقیق در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که بین مدیریت واقعی سود با بازده آتی کل دارایی ها، بازده آتی حقوق صاحبان سهام، سود آتی هر سهم و نسبت آتی قیمت به سود شرکت در سال بعد رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

مطالعه چپمن (۲۰۱۱)^{۱۳} نشان می دهد که شرکت ها در سه ماه پایان سال، از طریق دستکاری فعالیت های واقعی نظیر کاهش قیمت به منظور تسریع موقتی فروش، اقدام به برآورده

ناپذیر تفکر ماست، عمیقاً در نحوه کار ما تجلی پیدا می کند. (میلر و موریس، ۱۳۸۵)^۸

با توجه به مشکلات به وجود آمده در زمینه مدیریت سود شرکت ها در بازار سرمایه ایران، مسئله این پژوهش چگونگی درک میزان مدیریت سود شرکت ها در قبال ابعاد رفتاری شده است. همچنین، با توجه به مطالعات انجام شده در ایران در زمینه ارائه الگوی رفتاری مدیریت سود شرکت ها، پژوهش حاضر مؤلفه هایی را مورد آزمون قرار داده که در تحقیقات قبلی آزمون نشده است. از این رو، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که الگوی رفتاری مدیریت سود شرکت ها بر پایه دانش ضمنی و تجربه مدیران چیست؟ به منظور پاسخ به این سؤال، پیش بینی روابط علی عوامل رفتاری بر پایه دانش ضمنی و تجربه مدیران و مدیریت سود شرکت ها مطالعه می شود. در حقیقت مطالعه حاضر مفهوم جدیدی از مدیریت سود شرکت ها را معرفی می کند. از این رو، انتظار می رود نتایج پژوهش حاضر بتواند به مدیران، تحلیل گران مالی، سرمایه گذاران و سایر ذینفعان در درک بهتر مدیریت سود شرکت ها در قبال عوامل رفتاری و دانش ضمنی و تجربه مدیران، کمک کرده و آن ها را در اتخاذ تصمیم های صحیح مالی و سرمایه گذاری کمک نماید. این پژوهش با طرح مبانی نظری و پیشینه پژوهش های مرتبط با موضوع و همچنین تبیین روش پژوهش و فرضیه های برگرفته از مسئله و مبانی نظری پژوهش ادامه یافته و سپس به تشریح نتایج آزمون فرضیه ها پرداخته است؛ و در نهایت نتیجه گیری و پیشنهادها بیان می گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

گزارش های مالی به ویژه سود خالص یکی از مهمترین محصولات سیستم حسابداری است. هدف اصلی تدوین گزارش های مالی تهیه اطلاعاتی است که برای سرمایه گذاران و سایر افراد ذینفع در جهت انجام سرمایه گذاری منطقی، اعتباردهی و... مفید باشد. اما در طول چند دهه گذشته نتایج پژوهش ها بیانگر کاهش مستمر در محتوی اطلاعاتی سود حسابداری بوده است. از آنجایی که محاسبه سود خالص یک بنگاه اقتصادی تحت تاثیر روش ها و برآوردهای حسابداری است و بر طبق نظریه نمایندگی اهداف مدیریت نیز با سهامداران هماهنگ نیست، امکان دستکاری سود وجود دارد. این کار با نزدیک کردن سود گزارش شده به میزان سود هدف (آستانه) انجام می شود. فیلیپون (۲۰۰۴)^۹ بیان کرد که مسئله نمایندگی موجب شده است در بسیاری از شرکت ها طرح های پاداش انجام شود تا منجر به کاهش تضاد منافع شود. همچنین وی بیان کرده

مدیریت سود مانند پاداش، می‌توان رکود اقتصادی را یکی از عوامل تاثیر گزار بر مدیریت سود دانست. سادات حسینی و غلامی جمران (۱۳۹۶) به تحلیل محتوای مقالات انتشار یافته مدیریت سود پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهند در ۹۵٪ پژوهش‌های انجام شده، متغیر مدیریت سود با متغیرهای مورد بررسی، دارای رابطه معنادار می‌باشند، که نشان از محتوای اطلاعاتی و اعتبار اندازه‌گیری آن حکایت دارد. ملازاده و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی نقش دانش مالی هیات مدیره بر مدیریت سود پرداخته‌اند. نوع مدرک تحصیلی نیز معیاری برای اندازه‌گیری دانش مالی مدیر عامل در نظر گرفته شده است و برای تحلیل داده‌ها نیز از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج نشان داده است که دانش مالی مدیر عامل بر روی مدیریت سود شرکت تاثیر ندارد.

۳- سوالات پژوهش

- ۱) عوامل شخصیتی و فردی بر مدیریت سود چه تاثیری دارد؟
- ۲) تجربه و دانش ضمنی مالیاتی بر مدیریت سود چه تاثیری دارد؟
- ۳) تجربه و دانش ضمنی حسابداری و مالی بر مدیریت سود چه تاثیری دارد؟
- ۴) تجربه و دانش ضمنی مدیریتی بر مدیریت سود چه تاثیری دارد؟
- ۵) تجربه و دانش ضمنی حسابرسی بر مدیریت سود چه تاثیری دارد؟
- ۶) تجربه و دانش ضمنی سیاسی بر مدیریت سود چه تاثیری دارد؟
- ۷) تجربه و دانش ضمنی قوانین کار و تامین اجتماعی بر مدیریت سود چه تاثیری دارد؟

۴- الگوی مفهومی پژوهش

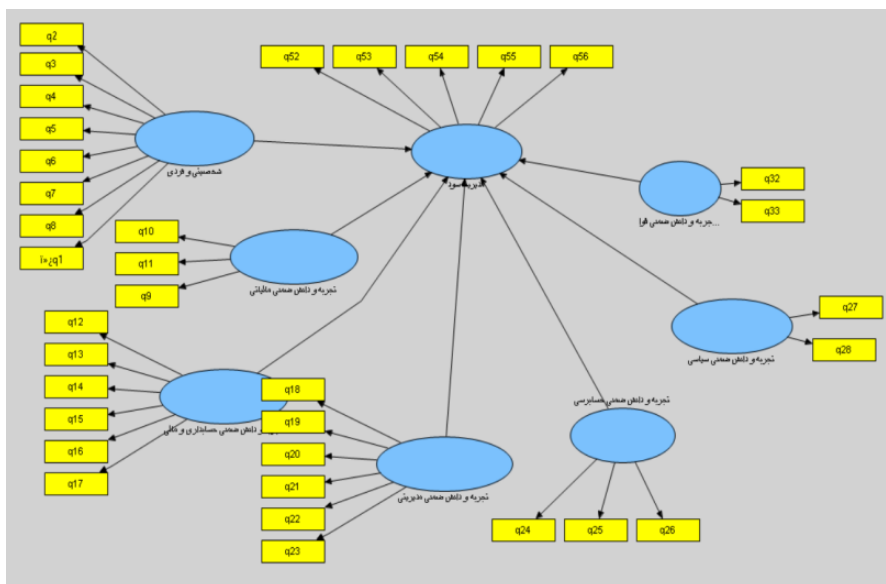
الگو، رابطه بین سطح نظری (تئوری) و کار جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌باشد. الگوها شامل نشانه‌ها و علائم هستند، یعنی خصوصیات برخی از پدیده‌های تجربی (شامل اجزاء و ارتباط آن‌ها) به‌طور منطقی از طریق مفاهیم مرتبط با یکدیگر بیان می‌شود. بنابراین، الگو منعکس‌کننده واقعیت است و جنبه‌های معینی از دنیای واقعی را که با مسئله تحت بررسی ارتباط دارند منسجم می‌سازند و روابط عمده را در میان جنبه‌های مذکور روشن می‌کند و سرانجام امکان آزمایش تجربی تئوری را با توجه به ماهیت این روابط فراهم می‌کند. بعد از آزمایش الگو درک بهتری از بعضی از قسمت‌های دنیای

ساختن اهداف سود می‌کنند. همچنین، شرکت‌ها در موقعیت‌های رقابتی نسبت به انگیزه‌های مدیریت سود، عکس‌العمل بیشتری نشان می‌دهند. گلدونی و البیورا (۲۰۱۰) شاخص‌هایی همچون تعداد گروه‌های بحث و گفتگو راجع به نوآوری در محصول و فرایند و میزان مشارکت ارزشمند برای ذخیره‌های دانشی سازمانی و اینترانتی ۱۵ را برای فرایند خلق دانش لحاظ میکنند «دانایی فرد» و «سلسله» (۲۰۱۰) نیز برای فرایند خلق دانش، شاخص‌هایی از جمله اشتیاق برای ترفیع و بهبود دانش افراد، وجود مزایایی نقدی برای کسب دانش بیشتر، تمایل افراد به یادگیری مستمر و استفاده از فرصت‌های یادگیری و وجود سیستم‌های آموزش کارمندان، آگاهی شرکت‌ها از متخصصین خود در حوزه‌های مختلف، وجود حساسیت سازمانی برای جذب و حفظ کارمندان دانش و محور، رضایت افراد دانشی از سیدت‌های منابع انسانی، سرمایه‌گذاری شخصی کارمندان برای یادگیری میزان تشویق مدیران ارشد کارمندان برای کسب دانش معرفی کرده‌اند. کوهن و همکاران (۲۰۰۸) با بررسی هردو نوع مدیریت سود دریافتند که مدیران در زمان عرضه فصلی سهام، اغلب درگیر مدیریت سود واقعی هستند و کاهش عملکرد در زمان عرضه فصلی سهام بیشتر در نتیجه مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی است تا مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی. زیرا دستکاری فعالیت‌های واقعی نتایج اقتصادی واقعی به همراه دارد.

داداش‌زاده و برادران حسن‌زاده (۱۳۹۶) به بررسی ارتباط استراتژی متنوع‌سازی شرکتی و پدیده مدیریت واقعی و مصنوعی سود پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین متنوع‌سازی تجاری و مدیریت مصنوعی سود ارتباط وجود ندارد و بین متنوع‌سازی جغرافیایی و مدیریت مصنوعی سود ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین متنوع‌سازی شرکتی و مدیریت واقعی سود ارتباط وجود ندارد. باغومیان و همکاران (۱۳۹۶) تاثیر رکود اقتصادی رشد منفی تولید ناخالص داخلی بر مدیریت سود شرکت‌ها را بررسی نمودند. تحلیل یافته‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که میان رکود اقتصادی و مدیریت سود شرکت‌ها، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش رشد منفی تولید ناخالص داخلی، مدیران شرکت‌ها اقدام به مدیریت سود بیشتری می‌کنند تا با بهتر نشان دادن وضعیت مالی شرکت مانع از ورشکستگی شوند. علاوه بر این، نتایج پژوهش حاضر حاکی از این است که نوسان‌های تولید ناخالص داخلی به عنوان یکی از متغیرهای کلان اقتصادی می‌تواند بر مدیریت سود تاثیرگذار باشد. به عبارت دیگر علاوه بر انگیزه‌های

سوالات تدوین شده و مبانی نظری در ردیابی الگوی رفتاری مدیریت سود، مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل (۱) تدوین شده است.

واقعی حاصل می‌شود. به‌طور خلاصه الگو دستگاهی است متشکل از مفاهیم، فرضیه‌ها و شاخص‌ها که کار انتخاب و جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز برای آزمون فرضیه را تسهیل می‌کند(خاکی، ۱۳۹۰). بنابراین با توجه به استدلال فوق،



شکل ۱- چارچوب مفهومی پژوهش

بنابراین، با توجه به مدل ساختاری این پژوهش، مشاهدات (پرسشنامه) موجود (۳۰ مورد) به لحاظ آماری کفایت می‌کند. در این مطالعه، متغیر مکنون درون‌زا (مدیریت سود)، متغیرهای مستقل (عوامل شخصیتی و فردی، تجربه و دانش ضمنی مالیاتی، تجربه و دانش ضمنی حسابداری و مالی، تجربه و دانش ضمنی مدیریتی، تجربه و دانش ضمنی سیاسی، تجربه و دانش ضمنی قوانین کار و تامین اجتماعی) به روش مصاحبه سنجیده شده است. به‌علاوه، برای توسعه و بومی‌سازی ابزار پژوهش متناسب با محیط کشور و تأیید روایی آن، از نظر استادان دانشگاه و خبرگان بازار سرمایه کشور بهره برده شد. جدول ۱ اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر، ارائه الگوی رفتاری مدیریت سود شرکت‌ها بر پایه ویژگی‌های شخصی و تجربه مدیران از طریق پیش‌بینی روابط علی میان آن‌ها است. این پژوهش برحسب هدف، کاربردی و توسعه‌ای و از نظر روش‌های گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی مبتنی بر رویکرد مدلی ساختاری می‌باشد و از روش پرسشنامه در مرحله گردآوری اطلاعات و رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی^{۱۸} در مرحله استنتاج استفاده نموده است. به‌منظور پخش پرسشنامه در بین استادان و دانشجویان دکتری حسابداری، اعضای جامعه حسابداران رسمی و متخصصان حرفه حسابداری، طی سه ماه مراجعات منتهی به پخش پرسشنامه ۴۰ نفر بوده که از این تعداد تعداد ۳۰ نفر مشارکت داشتند. در مورد کفایت حجم نمونه در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز باید گفت، برای کسب نتایج معتبر و قابل‌تعمیم، طبق نظریه چن ۱۹ و همکارانش (۲۰۰۳)، حجم نمونه باید نسبت ۱۰ مورد به ازای هر پارامتر برآورد شده باشد. بنتلر و چو (۲۰۰۶)^{۲۰} نیز ۵ مورد را به ازای هر پارامتر پیشنهاد کرده‌اند(هیر و همکاران^{۲۱}، ۲۰۰۶، بنتلر و چو، ۲۰۰۶).

جدول ۱- متغیرهای مدل پژوهش

ردیف	نام متغیر	نقش	نوع	ساختار
۱	دانش ضمنی و تجربه مدیران			
۱-۱	عوامل شخصیتی و فردی			
۲-۱	تجربه و دانش ضمنی مالیاتی			
۳-۱	تجربه و دانش ضمنی حسابداری و مالی	مستقل	ادراکی	انعکاسی
۴-۱	تجربه و دانش ضمنی مدیریتی			
۵-۱	تجربه و دانش ضمنی حسابرسی			
۶-۱	تجربه و دانش ضمنی سیاسی			
۷-۱	تجربه و دانش ضمنی قوانین کار و تامین اجتماعی			
۲	مدیریت سود	مکنون	ادراکی	انعکاسی

۶- یافته‌های پژوهش

در جدول ۲، اطلاعات جمعیت شناختی مربوط به نمونه آماری ارائه شده است. حدود درصد پاسخ‌دهندگان، در سمت مدیر مالی یا رئیس حسابداری مرد بودند. همچنین، سطح تحصیلات بیش از درصد از پاسخ‌دهندگان کارشناسی ارشد و بالاتر بوده و شایان ذکر است که این دسته از افراد، مشارکت بهتری از حیث قبول پاسخ به پرسشنامه و کیفیت پاسخگویی داشته‌اند.

جدول ۲- اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۱	۷۰
	زن	۹	۳۰
سن (سال)	۲۶ تا ۳۵	۱۵	۵۰
	۳۶ تا ۴۵	۱۱	۳۷
	۴۶ تا ۵۵	۳	۱۰
سطوح تحصیلات	بالای ۵۶	۱	۳
	کارشناسی ارشد	۱۳	۴۳
	دکتری و بالاتر	۱۷	۵۷

۷- تحلیل مدل و آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌ها به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، از نسخه ۳،۲،۷ نرم‌افزار آماری SMART-PLS استفاده شد. زمانی که حجم مشاهدات اندک است یا توزیع نرمالی ندارد، ترجیح بر به‌کارگیری نرم‌افزارهایی نظیر SMART-PLS است (داوری و رضا زاده، ۱۳۹۲). در مدل پژوهش، متغیرها به صورت سازه‌های انعکاسی سطح بالاتر، مدل‌سازی گردید.

به منظور ارزیابی مدل اندازه‌گیری (مدل بیرونی)، پایایی و روایی سازه‌ها و شاخص‌ها ارزیابی می‌شود. آلفای کرونباخ و پایایی مرکب برای هر یک از سازه‌های مدل بیشتر از ۰/۷ به دست آمد. همچنین، تمام شاخص‌ها از پایایی لازم برخوردار بودند. به منظور بررسی روایی سازه‌های مدل، از روایی همگرا و روایی تشخیصی استفاده شد. معیار متوسط واریانس استخراج شده برای ارزیابی روایی همگرای تمام سازه‌های مدل، بیشتر از ۰/۵ است و با توجه به اینکه جذر میانگین واریانس استخراج شده در قطر ماتریس بیشتر از همبستگی یا سازه با سازه‌های دیگر است، بنابراین ملاک مذکور نیز از حد قابل قبولی برخوردار است. بنابراین، کیفیت سازه‌های مدل از روایی مناسبی برخوردار هستند.

نتایج بدست آمده از ضرایب مسیر و t value نشان می‌دهد که: اثر شخصیتی و فردی بر مدیریت سود دارای t بزرگتر از ۱/۹۶ است لذا می‌توان گفت که رابطه مثبت و معنی‌داری بین اثر شخصیتی و فردی بر مدیریت سود تایید است. ضریب مساوی ۰/۳۲ است که به این معنی است که هر زمان متغیر شخصیتی و فردی به اندازه یک واحد بهبود یابد مدیریت سود به اندازه ۰/۳۲ واحد افزایش می‌یابد.

تجربه و دانش ضمنی مالیاتی، بر مدیریت سود دارای t کوچکتر از ۱/۹۶ است لذا می‌توان گفت که رابطه معنی‌دار بین تجربه و دانش ضمنی مالیاتی بر مدیریت سود تایید نمی‌شود.

تجربه و دانش ضمنی حسابداری و مالی، بر مدیریت سود دارای t کوچکتر از ۱/۹۶ است لذا می‌توان گفت که رابطه معنی‌دار بین تجربه و دانش ضمنی حسابداری و مالی بر مدیریت سود تایید نمی‌شود.

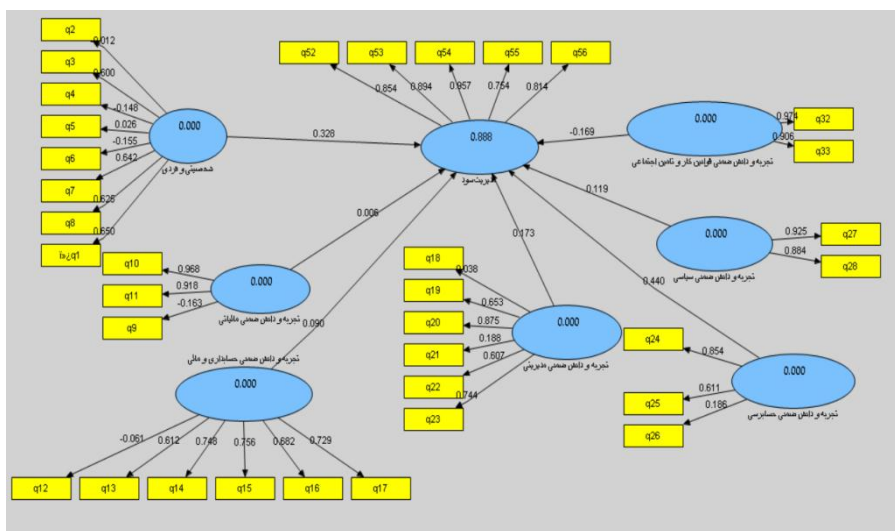
اندازه یک واحد بهبود یابد مدیریت سود به اندازه ۰/۴۴ واحد افزایش می‌یابد.

تجربه و دانش ضمنی سیاسی، بر مدیریت سود دارای t کوچکتر از ۱/۹۶ است لذا می‌توان گفت که رابطه‌ی معنی‌دار بین تجربه و دانش ضمنی سیاسی بر مدیریت سود تأیید نمی‌شود.

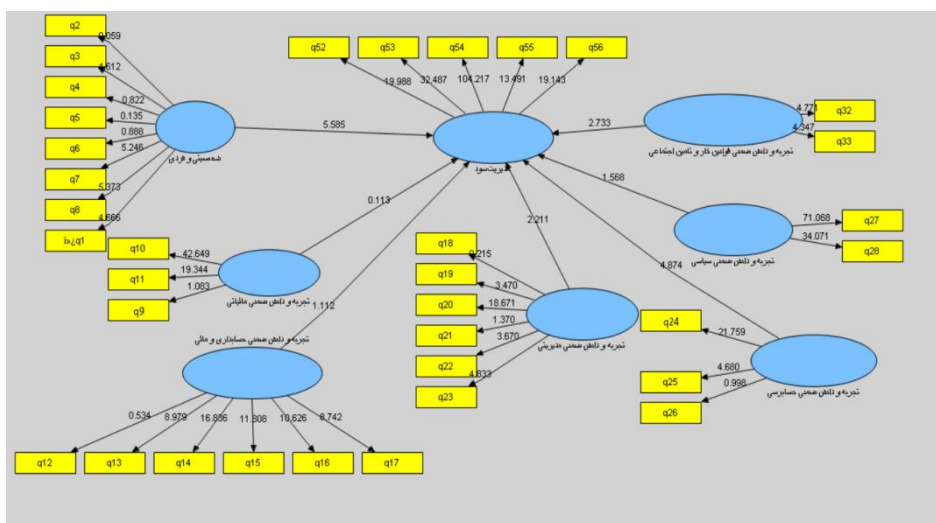
دانش ضمنی قوانین کار و تأمین اجتماعی بر مدیریت سود دارای t بزرگتر از ۱/۹۶ است لذا می‌توان گفت که رابطه‌ی منفی و معنی‌داری بین دانش ضمنی قوانین کار و تأمین اجتماعی بر مدیریت سود تأیید است. ضریب مساوی ۰/۱۶ است که به این معنی است که هر زمان متغیر شخصیتی و فردی به اندازه یک واحد بهبود یابد مدیریت سود به اندازه ۰/۱۶ واحد کاهش می‌یابد.

تجربه و دانش ضمنی مدیریتی، بر مدیریت سود دارای t بزرگتر از ۱/۹۶ است لذا می‌توان گفت که رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین تجربه و دانش ضمنی مدیریتی بر مدیریت سود تأیید است. ضریب مساوی ۰/۱۷ است که به این معنی است که هر زمان متغیر تجربه و دانش ضمنی مدیریتی به اندازه یک واحد بهبود یابد مدیریت سود به اندازه ۰/۱۷ واحد افزایش می‌یابد.

تجربه و دانش ضمنی حسابداری، بر مدیریت سود دارای t بزرگتر از ۱/۹۶ است لذا می‌توان گفت که رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین تجربه و دانش ضمنی حسابداری بر مدیریت سود تأیید است. ضریب مساوی ۰/۴۴ است که به این معنی است که هر زمان متغیر تجربه و دانش ضمنی حسابداری به



شکل ۳- نتایج آزمون t مدل اصلاح شده



شکل ۴- ضرایب ساختاری مدل اصلاح شده

جدول ۵- خلاصه نتایج پژوهش

نتیجه	احتمال	آماره	شرح
معنادار	۵,۵۶	۰,۳۲۸	شخصیتی و فردی
غیر معنادار	۰,۱۱۳	۰,۰۰۶	تجربه و دانش ضمنی مالیاتی
غیر معنادار	۱,۱۲	۰,۰۹	تجربه و دانش ضمنی حسابداری و مالی
معنادار	۲,۲۳	۰,۱۷	تجربه و دانش ضمنی مدیریتی
معنادار	۴,۸۷	۰,۴۴	تجربه و دانش ضمنی حسابرسی
غیر معنادار	۱,۵۶	۰,۱۱	تجربه و دانش ضمنی سیاسی
معنادار	۲,۷۳	-۰,۱۶۹	تجربه و دانش ضمنی قوانین کار و تامین اجتماعی

۸- نتیجه‌گیری و بحث

مدیریت سود استفاده گردد. تجربه در زمینه حسابرسی و تضاد منافع سبب بهبود تجربه و دانش ضمنی حسابرسی می‌شود، لذا پیشنهاد می‌شود که در جهت تجربه و دانش ضمنی حسابرسی تلاش شود. همچنین نتایج مطالعه نشان می‌دهد که تجربه و دانش ضمنی قوانین کار و تامین اجتماعی مدیریت سود را کاهش می‌دهد. این امر بیان می‌کند برعکس قوانین مرتبط به مالیات و حسابداری که ثابت بوده‌اند قوانین کار در هر سال تغییر می‌کند و به نوعی فشارهای تامین اجتماعی از نظر قوانین بیمه، کارگران و... بیشتر خواهد بود در نتیجه این سبب می‌شود که مدیران در جهت شمول یا عدم شمول قوانین تامین اجتماعی اقدام کنند که در نتیجه سبب کاهش مدیریت سود خواهد شد.

فهرست منابع

- * ابراهیمی، سید کاظم؛ احمدی مقدم، منصور. (۱۳۹۵). تاثیر بیش اطمینانی مدیران بر مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز مدیریت مالی، دوره ۹، شماره ۲۷، پاییز.
- * داداش‌زاده، قادر؛ برادران حسن‌زاده، رسول. (۱۳۹۶). ارتباط استراتژی متنوع‌سازی شرکتی و پدیده مدیریت واقعی و مصنوعی سود، پژوهش‌های تجربی حسابداری. سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۹۱-۲۱۲.
- * باغومیان، رافیک؛ محمدی، حجت؛ طاهری، منصور. (۱۳۹۶). رکود اقتصادی و مدیریت سود. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت. سال دهم. شماره سی و دوم، صص ۲۹-۴۳.
- * رهنمای رودپشتی، فریدون؛ غلامی جمکرانی، رضا؛ و سادات حسینی، نیره. (۱۳۹۶). پژوهش‌های تجربی مدیریت سود. تهران: ترمه.
- * سادات حسینی، نیره؛ غلامی جمکرانی، رضا. (۱۳۹۶). تحلیل محتوای پژوهش‌های مدیریت سود. فصلنامه علمی

پژوهش حاضر یک ساختار جدید ویژگی‌های شخصیتی و تجربه مدیران و مدیریت سود شرکت‌ها با تأکید بر ادغام مؤلفه‌های مختلف از دیدگاه‌های متفاوت را پیشنهاد می‌کند. از این رو، در این پژوهش عناصر مختلف ویژگی‌های شخصیتی و تجربه مدیران یعنی (شخصیتی و فردی، تجربه و دانش ضمنی مالیاتی، تجربه و دانش ضمنی حسابداری و مالی، تجربه و دانش ضمنی مدیریتی، تجربه و دانش ضمنی حسابرسی، تجربه و دانش ضمنی سیاسی، تجربه و دانش ضمنی قوانین کار و تامین اجتماعی) و مدیریت سود شرکت‌ها شناسایی و تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد که تجربه شخصیتی و فردی بر مدیریت سود تاثیر معنی داری دارد. بدین معنی با افزایش تجربه شخصیتی و فردی میزان دستکاری و مدیریت سود نیز افزایش می‌یابد. به طور کلی عامل‌های موثر بر ویژگی‌های شخصیتی و فردی شامل بیش اطمینانی، مطلوبیت و ریسک‌گریزی، پایبندی به تعهدات و رشته‌ی تحصیلی می‌باشد. عبارتی زمانی که مدیران دارای شخصیت بیش اطمینانی‌اند؛ مدیران نسبت به سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود، خوش بین هستند و چشم انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند. در نتیجه این امر سبب می‌شود که مدیریت سود افزایش یابد. نتایج این مطالعه با نتایج تحقیق ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵) و بومن (۲۰۱۴) در یک راستا است. با توجه به تاثیر مثبت تجربه‌ی شخصیتی و فردی مدیران بر مدیریت سود پیشنهاد می‌گردد، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری به نتیجه تاثیر ویژگی‌های شخصیتی و فردی مدیران بر مدیریت سود توجه نمایند. با توجه به اینکه پاداش مدیران، روابط با هیات مدیره و کمیته‌ها، ساختار سهامداران، نحوه انتصاب (لابی) سهامداران طرفدار) و توان مدیریتی بر تجربه و دانش ضمنی مدیریتی تاثیر گذار بوده و تجربه و دانش مدیریتی نیز مدیریت سود را بهبود می‌بخشد، سعی شود این عوامل در جهت بهبود

- companies in Brazil. *J. Knowledge Management*, 14, 301-313.
- * Healy, P., and J. Wahlen (1999); "A Review of the Earnings Management Literature and Its Implications for Standard Setting", *Accounting Horizons*, 13(4), pp.120-152
- * Jering, L., Martinez, N. C. A., da Costa, N. C. (2016). Earnings Manipulations by Real Activities Management and Investors' Perceptions. *Research in International Business and Finance*, Volume 34, Pages 309-323
- * Lo ,Huai-Chun & Wu ,Ruei-Shian & Kweh ,Qian Long,. (2017). Do institutional investors reinforce or reduce agency problems? Earnings management and the post-IPO performance. *International Review of Financial Analysis*, 52, 62-76
- * Ronen, Tavy and Varda Lewinsein Yaari. (2002), "On the tension between full revelation and earnings management: A reconsideration of the revelation principle". *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 17,4 ,(Fall): 273-294
- * Rosman, A. J., Biggs. S. F., & Hoskin, R. E. (2012). The Effects of Tacit Knowledge on Earnings Management Behavior in the Presence and Absence of Monitoring at Different Levels of Firm Performance. *BEHAVIORAL RESEARCH IN ACCOUNTING* American Accounting Association. Vol. 24, No. 1. pp. 109-130
- * Scott , William,(2009)*Financial Accounting theory*, Prentice Hall, Chapter 11,P 402-428
- پژوهشی حسابداری مدیریت. سال دهم. شماره سی و پنجم. صص ۹۱-۱۰۵.
- * مرادزاده فرد، مهدی؛ زارعزاده مهریز، محمد صادق؛ تاکر، رضا. (۱۳۹۱). تأثیر پاداش هیات مدیره و مالکیت نهادی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار. شماره ۱۸ (۲). صص ۱۳۷-۱۵۲.
- * ملازاده، محمد؛ لاری دشت‌فیاض، محمود؛ ساعی، محمدجواد. (۱۳۹۵). تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. سال هشتم. شماره ۳۰. صص ۳۷-۵۹.
- * میلر، ویلیام؛ لانگدن، موریس (۱۳۸۳). نسل چهارم R&D، مدیریت دانش و فناوری و نوآوری. ترجمه علیرضا مهاجری و مریم فتاح زاده. انتشارات جهاد دانشگاهی. چاپ اول.
- * خاکی، غ. ۱۳۹۰. روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات بازتاب.
- * داوری، ع.، رضازاده. آر.ش. ۱۳۹۳. مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS، چاپ دوم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

یادداشت‌ها

¹ Scott

² Fern et al

³ DeGeorge et al

⁴ Healy, P., and J. Wahlen

⁵ Ronen, Tavy and Varda Lewinsein Yaari

⁶ Rosman et al

⁷ Implicit knowledge

⁸ Miler & muris

⁹ Filipion et al

¹⁰ Watts et al

¹¹ Huai-Chun

¹² Jering

¹³ Chapman, Craig J

¹⁴ Goldoni and oliviera

¹⁵ Internet repositories

¹⁶ Danaeefard, H. selseleh

¹⁷ Cohen, D.A., & Zarowin, P

¹⁸ PLS(Partiallesat square)

¹⁹ Chin

²⁰ Bentler And Cho

²¹ Hear et al

- * Bouwman, C. (2014). Managerial optimism and earnings smoothing. *Journal of Banking & Finance* ,41 ,283-303
- * Cohen, Daniel. Zarowin, Paul. (2008). Accrual-Based and Real Earnings Management Activities Around Seasoned Equity Offerings. *Journal of Accounting and Economics*. Pp 128-156
- * Cupertino, D., Zarowin, P. (2015). Accrual-Based and Real Earnings Management Activities Around Seasoned Equity Offerings. *Journal of Accounting and Economics*. Pp 128-156
- * Chapman, T., Craig, J., Steenburgh, J. (2011). An Investigation of Earnings Management Through Marketing Actions. *HomeManagement Science* Vol. 57, No. 1. Pp 44-62
- * Danaeefard, H. selseleh, M.(2010) Measuring knowledge management cycle. Evidence from iran *European journal of scientific research*. Vol: 41, no: 2. Pp 297-309.
- * DeGeorge, F., J. Patel, and R. Zeckhauser (1999); "Earnings Management to Exceed Thresholds", *Journal of Business*, 72: 3, pp. 1-33.
- * Fern, R. H., B. Brown, and S.W. Dickey (1994); "An Empirical Test of Politically-Motivated Income Smoothing in the Oil Refining Industry", *Journal of Applied Research*, 10(1),92-100.
- * Filipion, S., atell, (2004). Linking improved knowledge management to operational and organizational performance. *Journal of operations management*. Pp 247-264(In Persian).
- * Goldoni, V., & Oliveira, M. (2010). Knowledge management metrics in software development